

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/08/26

گذشته از اینها، گیریم که روایات اذان همگی صحیحه می بودند، هم در روایات شیعه و هم در روایات اهل سنت اما از نبی مکرم صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده است: اگر روایتی از ما به شما رسید، آن را به قرآن عرضه کنید اگر با قرآن مخالفت داشت، آن را به دیوار بزنید. البته عبارت «فاضربوه علی الجدار» در روایات اهل سنت وجود ندارد؛ ولی تعبیر «ما خالف القرآن فدعوه» وجود دارد.

اساس تشریح، نزد اهل سنت صحابه هستند :

اساس تشریح نزد اهل سنت، اقوال صحابه است؛ ولو مخالف قرآن باشد؛ مثلاً « نحن معاشر الأنبياء لا نورث » مخالف نص صریح قرآن است. «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ» و «وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» و «يَرْثِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًا» و همچنین قانون کلی قرآن « لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ » ؛ ولی چون اساس تشریح نزد اهل سنت اقوال صحابه است، این روایت أبو بکر را دلیل آوردند بر محرومیت حضرت صدیقه طاهره و اهل بیت گرامیش از فدک. این خودش یکی از درد های بی درمانی است که باید روی آن کار کرد. آن چه برای ما حجت است و سندیت دارد، قرآن است و سنت قطعی و مطابق با قرآن.

تضاد روایات تشریح اذان نزد اهل سنت با نصوص قرآنی :

روایاتی که از مصادر اهل سنت در تشریح اذان ذکر ، از چند جهت اشکال اساسی دارند و با منطق قرآن در تضاد هستند.

اولاً: در قرآن صراحت دارد که نبی مکرم در تمام امور تشریح تابع وحی الهی است. سوره اعراف، آیه 203:

قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يوحى إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهَدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.

بگو: من پیرو چیزی هستم که از پروردگارم به من وحی می شود. و این حجت هایی است از جانب پروردگارتان و رهنمود و رحمت است برای مردمی که ایمان می آورند.

سوره اعراف (7)، آیه 9.

با کلمه «انما» حصر شده است.

در سوره یونس آیه 15 می فرماید:

قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلَقُّاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ عَظِيمٌ.

بگو: مرا نرسد که آن را از سوی خود دگرگون کنم. هر چه به من وحی می شود پیرو همان هستم. می ترسم که اگر به پروردگارم عاصی شوم به عذاب آن روز بزرگ گرفتار آیم.

سوره یونس (10)، آیه 15.

باز هم در این جا از واژه حصر استفاده شده است.

در سوره احقاف، آیه 9 می فرماید:

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ.

بگو: من از میان دیگر پیامبران بدعتی تازه نیستم و نمی دانم که بر من، یا بر شما چه خواهد رفت. من از چیزی جز آنچه به من وحی می شود، پیروی نمی کنم و من جز بیم دهنده ای آشکار نیستم.

سوره احقاف (46)، آیه 9.

و آیات مشابه آن که نشان می دهد در تمام مسائل تشریح، نبی مکرم تابع وحی است. روایات تشریح اذان که عبد الله بن زید، عمر و... خواب می بینند، و خواب آنها ملاک تشریح قرار می گیرد، صراحتاً مخالفت با این آیات است.

ثانیاً: آیه شریفه:

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى. وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى.

قسم به آن ستاره چون پنهان شد، که یار شما نه گمراه شده و نه به راه کج رفته است. و سخن از روی هوی نمی گوید. نیست این سخن جز آنچه بدو وحی می شود.

سوره نجم (53)، آیه 2-4.

در این آیه عزیزان توجه کنند. بعضی ها تصور می کنند که مراد از «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى» فقط شامل آیات قرآنی است. این درست نیست. «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى» یعنی این که هر آنچه من نطق می کنم، همه وحی من الله است.

ان الجبرئيل ينزل الي بالسنة كما ينزل الي بالكتاب.

چه در قرآن و چه در سنت. شوخي هم همين طوري است حاكم نيشابوري با سند صحيح نقل مي كند از نبي مكرم كه فرمود:

عن عمرو بن شعيب أن شعيبا حدثه ومجاهدا أن عبد الله بن عمرو حدثهم أنه قال يا رسول الله أكتب ما أسمع منك قال نعم قلت عند الغضب وعند الرضا قال نعم إنه لا ينبغي لي أن أقول إلا حقا

از عمرو بن شعيب روايت شده كه شعيب و مجاهد روايت كردند كه عبد الله بن عمرو براي آنها روايت نمود كه به رسول خدا صلي الله عليه وآله عرض كرد يا رسول الله! آنچه از شما مي شنوم را مي نويسم. حضرت فرمود: بنويس. عرض كردم: حتي آنچه به هنگام غضب و خشنودي شما مي نويسم؟ فرمود: از من هيچ چيز به جز حق صادر نمي شود.

المستدرک علي الصحيحين، ج 1، ص 187، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، الوفاة: 405 هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411هـ - 1990م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا

عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده قال قلت يا رسول الله أتأذن لي فأكتب ما أسمع منك قال نعم قلت في الرضا والغضب قال نعم فإنه لا ينبغي أن أقول عند الرضا والغضب إلا حقا صحيح الإسناد ولم يخرجاه

از عمرو بن شعيب از پدرش از جدش روايت شده كه گفت: به رسول خدا صلي الله عليه وآله عرض كردم: يا رسول الله! آيا به من اجازه مي دهيد تا آنچه از شما مي شنوم را بنويسم؟ حضرت فرمود: بنويس. عرض كردم: حتي آنچه

به هنگام غضب و خشنودی شما می نویسم؟ فرمود: از من هیچ چیز به جز حق صادر نمی شود. این حدیثی است با سند صحیح اما مسلم و بخاری آن را روایت نکرده اند.

المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 606، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، الوفاة: 405 هـ، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411هـ - 1990م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا.

تمام آنچه از پیامبر صادر می شود وحی الهی است :

اما این که «ان هو الا وحی یوحی» فقط شامل قرآن می شود یا شامل قرآن و سنت هم می شود، از دیدگاه شیعه مشکلی نداریم. ما روایات متعدد داریم که آن چه از زبان نبی مکرم بیرون می آید، جز وحی نیست. از دیدگاه اهل سنت، من چند مورد را ذکر می کنم.

شوکانی از شخصیت های برجسته اهل سنت است و حتی وهابی ها نیز شوکانی را قبول دارند، می گوید:

(وما ینطق عن الهوی) أي ما یصدر نطقه عن الهوی لا بالقرآن ولا بغيره

پیامبر از روی هوا سخنی نمی گوید. از روی خواهش های نفسانی سخن نمی گوید؛ چه قرآن باشد و چه هر چیز دیگر.

فتح القدر الجامع بین فنی الروایة والدراية من علم التفسیر، ج 5، ص 105، اسم المؤلف: محمد بن علی بن محمد الشوکانی، الوفاة: 1250، دار النشر: دار الفکر - بیروت.

این سخن شامل شوخی های پیامبر اکرم نیز می شود.

وفيها أيضا دلالة علي أن السنة كالوحي المنزل في العمل

این سخن همچنین بر این نکته دلالت دارد که سنت در عمل مانند وحي منزل است.

تفسير القرطبي الجامع لأحكام القرآن، ج 17 ص 85 اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي

الوفاة: 671 ، دار النشر : دار الشعب - القاهرة

یعنی، دلالت می کند که سنت دوشادوش قرآن است؛ یعنی همان طوری که دستورات قرآن لازم الاجراء هست، دستورات سنتی پیامبر هم لازم الاجراء است.

ابو بکر جزائري که باز از بزرگان اهل سنت است، در تفسير ايسر التفاسير مي گوید:

وما ينطق بالقرآن وغيره مما يقوله ويدعو إليه عن هوي نفسه كما قد يقع من غيره من البشر إن هو إلا وحي يوحى أي
ما هو أي الذي ينطق به ويدعو إليه ويعمله إلا وحي يوحى إليه.

در کلمات قرآنی و غیر آن از روی هوای نفس سخن نمی گوید و کسی را به چیزی دعوت نمی کند چیزی که گاهی از افرادی غیر او سر می زند. هر آنچه او می گوید وحي است به این معنی که هر آنچه او می گوید و به آن دعوت می کند و می آموزد وحي است که به او نازل می شود.

ايسر التفاسير، ج 5، ص 1837.

محمد علي صابوني از وهابيون معاصر و از اساتيد دانشگاه ام القرابي مکه است و کتاب هم زياد نوشته است. و شخصيت برجسته و وهابي معتدل است نه يك وهابي تند رو.

چند جلد کتاب در باره تجزیه و ترکیب قرآن دارد که یکی از بهترین تجزیه و ترکیب های قرآن است. یعنی کلمه به کلمه آیات و حروف را تجزیه و ترکیب کرده است. ایشان کتابی دارد به نام صفوة التفاسیر که در غالب کتاب خانه ها هست. با این که ایشان از معاصرین است، روی دست بسیاری از تفاسیر اهل سنت زد. ایشان در جلد 3، صفحه 235 می گوید:

ما ينطق عن الهوي اي لا يتكلم عن هوي نفسي ورأي شخصي ان هو الا وحي يوحى اي لا يتكلم الا عن وحي من الله عزوجل.

ما ينطق عن الهوي يعني: از روی هوی و هوس و رأی شخصی سخنی نمی گوید. ان هو الا وحي يوحى يعني: سخنی نمی گوید مگر از روی وحي الهی.

ایسر التفاسیر، ج 3، ص 235.

هیچ سخنی نمی گوید از هوای نفس و رأی شخصی خودش. آنچه از زبان حضرت به عنوان تکلم بیرون می آید؛ یعنی مطلق تکلم؛ چه تکلم قرآنی و چه تکلم سنتی، چه شوخی و چه جد، بر محور وحي است.

نظمی که پیامبر می کند، چه قرآنی و چه غیر قرآنی، چه بگوید و چه دعا کند، از روی هوای نفس نیست

ما معمولا از این آیه در بحث حدیث دوات و قلم استفاده می کنیم که وقتی حضرت فرمود:

اَتُّونِي بِكِتَابٍ أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا

برای من کاغذی بیاورید تا برایتان نوشته ای بنویسم که هرگز گمراه نشوید.

صحيح البخاري، الجامع الصحيح المختصر، ج 3، ص 1111، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، الوفاة: 256، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى

ديب البغا

عمر گفت:

قال عُمَرُ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَلَبَهُ الْوَجَعُ

عمر گفت: درد بر پیامبر غلبه نموده است که این گونه سخن می گوید.

صحيح البخاري، ج 1، ص 54، الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، الوفاة: 256، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب

البغا.

این جا خیلی ها می گویند که این سخن پیامبر یک رأی و اجتهاد شخصی بوده است، پیامبر مجتهد بود، عمر هم مجتهد، در حقیقت تضارب آراء دو مجتهد است. همان طوری که مجتهدان دیگر با هم اختلاف دارند.

شما کتاب فتح الباری را ببینید، تمام اقوال و آراء بزرگان اهل سنت را در این زمینه مفصل آورده است. جلد 8 فتح الباری، صفحه 101 حدود 12 نظر برای توجیه عمل عمر بن الخطاب آورده.

ابن حجر عسقلانی تعبیر قشنگی دارد. بعضی از این موارد از عنایت اهل بیت علیهم السلام است که خدای عالم کلمه حق را بر زبان آنها جاری می کند.

ایشان می گوید:

ووقع ذلك من النبي صلي الله عليه وسلم مستحيل لأنه معصوم في صحته ومرضه لقوله تعالى وما ينطق عن الهوي

ولقوله صلي الله عليه وسلم إني لا أقول في الغضب والرضا إلا حقا

پیامبر معصوم بود، این سخنی که عمر گفت آن حضرت هذیان می گوید، این طوری نیست، پیامبر در حالت مریضی

هم سخن بگوید، باز برای ما حجت است.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج 8، ص 133، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي،

الوفاة: 852، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: محب الدين الخطيب.

خود عینی که باز هم یکی از شارحین صحیح بخاری و یک مقداری منصف تر از ابن حجر است و صحیح بخاری را

قشنگ شرح کرده است؛ یعنی برای مبتدی این کتاب خیلی بهتر از فتح الباری است. ایشان هم همان حدیث قلم و

کاغذ را می آورد و می گوید:

ولم يكن ، يقول في الغضب والرضا إلا حَقًّا ، قال الله تعالى : (وما ينطق عن الهوي)

پیامبر چه در حالت غضب و چه در حالت خوشحالی جز حق سخنی نمی گوید.

عمدة القاري ج 24 ص 81 عمدة القاري شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني، الوفاة:

855هـ ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت

باز در جای دیگر می‌گوید:

قلت نسبة مثل هذا إلي النبي لا يجوز لأن وقوع مثل هذا الفعل عنه مستحيل لأنه معصوم في كل حالة في صحته
ومرضه لقوله تعالى «وما ينطق عن الهوي» ولقوله: إني لا أقول في الغضب والرضا إلا حقا

نسبت دادن چنین سخنی به پیامبر جایز نمی‌باشد چون وقوع چنین چیزی از آن حضرت محال می‌باشد برای این
که او در حالتی چه در مریضی و چه در سلامتی معصوم است. و این به خاطر سخن خداوند است که می‌فرماید: و ما
ينطق عن الهوي و به خاطر فرموده خود آن حضرت که فرمود: من در خوشنودی و غضب سخنی جز حق نمی‌گویم.

عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج 18، ص 62، اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني الوفاة: 855هـ،
دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت

این آیه شریفه «وما ينطق عن الهوي» نشان می‌دهد که تمام جملات پیامبر نشأت گرفته از وحی است و روایات اذان
که می‌گویند عمر خواب دید دلالت می‌کند که ينطق الي رؤيا الصحابة دون الوحي. یعنی این روایات تشریح اذان کاملاً
مخالف است با این آیه قرآن کریم.

قضیه عبد الله بن عمرو عاص که سخنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را می‌نوشت، قریش نهی کردند و
گفتند: تو چرا همه سخنان پیامبر را می‌نویسی؟ پیغمبر بشری است همانند دیگران، غضبناک و عصبانی می‌شود، از
حال عادی بیرون می‌رود و سخنانی که بیان می‌کند، قطعاً سخنان نادرستی است. عبد الله بن عمرو عاص می‌گوید:
من نوشتم تا خدمت نبي مکرم اسلام صلي الله عليه و آله و سلم رسیدم و قضایا را برای حضرت نقل کردم.

حضرت به دو لب هاي خودش اشاره کردند و فرمودند:

قسم به خدایي که جان من پیغمبر در قبضه قدرت او است، از این دو لب من جز حق صادر نمی شود.

عن عبد الله بن عمرو قال كنت أكتبُ كلَّ شيءٍ أسمعُهُ من رسولِ اللَّهِ صلي الله عليه وسلم أُريدُ حِفْظَهُ فنهتني قُرَيْشٌ
فَقَالُوا أنك تكتبُ كلَّ شيءٍ تسمعُهُ من رسولِ اللَّهِ صلي الله عليه وسلم وَرَسُولُ اللَّهِ صلي الله عليه وسلم بَشَرٌ يَتَكَلَّمُ
فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا فَأَمْسَكَتُ عَنِ الْكِتَابِ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلي الله عليه وسلم فقال اكتبُ فوالذي نفسي بيده
مَا خَرَجَ مِنِّي إِلَّا حَقٌّ

عبدالله بن عمر روایت می کند من برای این که هر آنچه از رسول خدا می شنیدم را حفظ کنم تا از بی نرود می نوشتم
اما بعضی از قریش مرا از این کار نهی کردند و گفتند رسول خدا صلی الله علیه و آله بشری بیش نیست و در غضب
و خشنودی سخنانی می گوید. از آن به بعد به خاطر این سخن قریش از نوشتن دست بر داشتم تا این که موضوع را
به اطلاع رسول خدا صلی الله علیه و آله رساندم حضرت فرمود هر آنچه می شنوی را بنویس قسم به آن خدایی که
جانم در ید قدرت اوست از من سخنی جز حق صادر نمی شود.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج 2، ص 162، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، الوفاة: 241، دار النشر:
مؤسسة قرطبة - مصر- سنن أبي داود، ابن اشعث سجستاني، ج 2، ص 176 - سنن الدارمي، عبد الله بن بهرام دارمي،
ج 1، ص 125 - المستدرک، حاکم نیشابوري، ج 1، ص 104 - تحفة الأحوذی، مبارکفوري، ج 7، ص 357 - تفسير ابن
کثير، ج 4، ص 264 - وسائل الشيعة(آل البيت)، شيخ حر عاملي، ج 1، ص مقدمة التحقيق 7 - تذكرة الفقهاء(ط.ج)،
علامه حلي، ج 1، ص مقدمة التحقيق 14.

حاکم نیشابوری بعد از نقل حدیث می گوید:

هذا حدیث صحیح الاسناد أصل فی نسخ الحدیث عن رسول الله صلی الله علیه وآله ولم یخرجاه.

این حدیثی با سند صحیح در میان نسخه های حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد اما بخاری و مسلم آن را روایت نکرده اند.

المستدرک علی الصحیحین، ج 1، ص 186، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری الوفاة: 405

هـ، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411هـ - 1990م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا

ذهبی نیز در حاشیه مستدرک این حدیث را صحیح دانسته است. البانی که ایدئوژیست وهابی ها است و به تعبیر بن باز امام الحدیث است، این روایت را در سلسله الأحادیث الصحیحة، جلد 4، صفحه 45، چاپ مکتبة المعارف، ریاض عربستان، آورده است. و می گوید: روایت صحیح است.

روایت دیگری که مشابه این است، حضرت صراحتاً می فرمایند: من در غضب، در عصبانیت، در حال عادی و... جز حق سخن نمی گویم:

عن جدّه عبد الله بن عمرو بن العاص قال قلت یا رسول الله انی أسمع منک أشياء أفأکتبها قال نعم قلت فی الغضب والرّضا قال نعم فإنی لا أقول فیهما الا حقاً

می گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: یا رسول الله! آیا من آنچه از شما می شنوم را بنویسم؟ حضرت فرمود: آری. عرض کردم حتی آنچه در خشنودی و غضب می فرمایید؟ فرمود: من سخنی جز حق چیز دیگری نمی گویم.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج 2، ص 215، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، الوفاة: 241، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر - المعجم الأوسط، طبراني، ج 2، ص 153- الحد الفاصل، رامهرمزي، ص 364.

شوخي هاي پیامبر نیز حق و سنت است :

احمد حنبل در مسندش روایتی را نقل می کند که مدلولش از این هم قوی تر است.

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا يونس ثنا ليث عن مُحَمَّدٍ عن سَعِيدِ بن أَبِي سَعِيدٍ عن أَبِي هُرَيْرَةَ عن رسول الله صلي الله عليه وسلم انه قال اني لا أقول إلا حَقًّا قال بَعْضُ أَصْحَابِهِ فَإِنَّكَ تُدَاعِبُنَا يا رَسُولَ اللَّهِ فقال إني لا أقول إلا حَقًّا

ابو هريره مي گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من به جز حق سخني نمي گويم. بعضي از اصحاب گفتند: ما مي بينيم که شما با ما شوخي مي کنيد. حضرت فرمودند: من جز حق سخني نمي گويم.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج 2، ص 340، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: 241، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

و لذا حتي شوخي هاي نبي مکرم هم براي ما سنت است و بايد از آنها پيروي کنيم و از آن حد تجاوز نکنيم.

این نشان مي دهد که قریش در زمان خود نبي مکرم هم به دنبال این بودند که با سنت پیامبر با گفتار پیامبر مبارزه

کنند. اگر بنا باشد تمام سخنان پیامبر نوشته شود، از جمله سخنان آن حضرت روایت «هذا اخي ووصي وخليفتي من

بعدي» است. «علي وي كل مؤمن بعدي». «ضربة علي يوم الخندق افضل من عبادة الثقلين» و... تمام این احاديث

که دال بر وصايت و خلافت حضرت علي عليه السلام است، اينها هم نوشته مي شود.

این باعث می شود آنچه را که آنها به خاطر آن اسلام آورده بودند که بعد از پیامبر خلافت را تصاحب کنند، امکان پذیر نباشد و لذا وقتی ابوبکر به خلافت می رسد، اول کاری که می کند، دستور می دهد که تمام احادیث پیامبر را جمع کنند. و عایشه می گوید که گفت هر چه قدر حدیث از پیامبر دارید بیاورید، ما تصور کردیم که می خواهد يك دائرة المعارف سنت نبوي بنویسد، هر کس حدیثی یادداشت کرده بود آورد، عایشه می گوید: من پانصد حدیث از پیامبر آوردم، ابوبکر وسیله احراقی خواست و تمام احادیث را آتش زد.

این احادیث حداقل مشتمل بر نام خدا، آیات قرآن و اسم پیامبر بود، اینها را آتش زدن خیلی دل و جرئت می خواهد. جامع ترین کتابی که در این باره نوشته شده است، تدوین السنة الشریفه، تألیف آقای جلالی است.